

تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران (۱۳۴۰-۱۳۹۰)^۱

محمد مهدی عزیزی*

محمد صالح شکوهی بیدهندی**

چکیده

برای پاسخ به این پرسش که «چه نظریه‌ای از عدالت بیش‌تر مد نظر برنامه‌ریزان شهری در ایران بوده است و این نظریه در گذر زمان چه تغییراتی یافته است؟» در این مطالعه نخست نمونه‌هایی از کاربرد مفهوم عدالت در آثار برنامه‌ریزان شهری ایرانی و سپس سه طرح نمونه جامع شهری بازخوانی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد بیش‌تر برنامه‌ریزان شهری ایران در دو تعریف «عدالت به مثابه برابری یکسان» و «عدالت به مثابه تأمین حداقل‌ها» و نیز در دو بُعد اقتصادی و کالبدی به موضوع عدالت توجه کرده‌اند. در این نگاه، عدالت عمدتاً در غالب «تأمین دسترسی به کاربری‌های حیاتی» و «کاهش نابرابری‌های فضایی» مورد توجه برنامه‌ریزان ایرانی است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های توسعه شهری، شهرسازی، عدالت اجتماعی، عدالت فضایی.

۱. مقدمه

تاریخ اجتماعی یکی از گرایش‌های تاریخ است که حوزه وسیعی از جلوه‌های گوناگون زندگی و فرهنگ انسان در گذشته را بررسی می‌کند و به مطالعه ساختار، فرایند، و برآیند کنش آدمی می‌پردازد (Hecht, 1968). پس از دهه ۱۹۶۰ این گرایش با اقبال گسترده‌ای مواجه شد و به زمینه‌های گوناگونی پرداخت. در این چهارچوب، یکی از مفاهیمی که در

* استاد دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران mmazizi@ut.ac.ir

** دکترای شهرسازی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) saleh.shokouhi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۹

تحقیقات تاریخ اجتماعی بدان توجه شده تاریخ شهر، به مثابه یک فرایند، است (Thernstrom and Sennett, 1970). بدین روی، بازخوانی برنامه‌های توسعه شهری نیز می‌تواند بخش مهمی از تحقیقات تاریخ اجتماعی را شامل شود؛ به‌ویژه این‌که این بازخوانی مبتنی بر درک یکی از مفاهیم کلیدی حوزه علوم اجتماعی هم‌چون «عدالت» باشد.

مروری بر نوعی از ادبیات در خصوص مفهوم «عدالت» نشان می‌دهد، به‌رغم بحث‌های دامنه‌دار بسیار زیادی که از سال‌های دور وجود داشته، مناقشات به تعریف واحدی از عدالت نینجامیده است. تنوع برداشتها درباره این مفهوم آرمانی گاه تا حد تضاد پیش می‌رود. از سوی دیگر، مکاتب فلسفی گوناگون نیز بر سر تعریف عدالت اتفاق نظر ندارند. از آن‌جا که این مفهوم در بسیاری از متون برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه طرح‌های توسعه شهری به کار گرفته شده است، در هر جامعه، کشف درک برنامه‌ریزان از مفهوم عدالت اهمیت بسیار زیادی دارد. بر این اساس، پرسش اصلی در این مطالعه عبارت است از: «چه نظریه‌ای از عدالت بیش‌تر مد نظر برنامه‌ریزان شهری در ایران است و این نظریه در گذر زمان چه تغییراتی یافته است؟»

در این‌جا ذکر این نکته حائز اهمیت است که یکی از مهم‌ترین وجوهی که هر برنامه توسعه شهری باید به آن پردازد مقوله عدالت است، زیرا نظریه‌های برنامه‌ریزی اساساً مشروعیت فرایندهای برنامه‌ریزی شهری را به موضوع ارتقای عدالت معطوف کرده‌اند. مثلاً، فینشتاین در مطالعه «نظریه برنامه‌ریزی و شهر»، برنامه‌ریزی را «خلق آگاهانه شهر عادلانه» می‌داند (Fainstein, 2005: 121). نمی‌توان از آثار برنامه‌ریزی شهری در منافع عمومی (Hyman and Kaitz, 1971) و در نتیجه ارتقا یا تقلیل عدالت در سطح جامعه (Marcuse, 2009) غافل شد. به همین دلیل لازم است که برنامه‌های توسعه شهری نیز در جهت دستیابی به این مفهوم مؤثر واقع شوند.

از آن‌جا که دو مفهوم «عدالت» و «شهر» در بسیاری از متون برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه طرح‌های توسعه شهری، در کنار یک‌دیگر به کار گرفته شده‌اند، در هر جامعه، کشف درک برنامه‌ریزان از مفهوم عدالت اهمیت بسیار زیادی دارد. به منظور پاسخ به پرسش مطرح، در مطالعه حاضر به بررسی سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت در نوشته‌های برنامه‌ریزان شهری ایران پرداخته شده است و برای دستیابی به این هدف به بازخوانی نمونه‌هایی از اسناد توسعه شهری ایران پرداخته شده است. در این مطالعه به تحلیل محتوای چند نمونه از طرح‌های توسعه شهری برای کشف جایگاه و کاربرد مفهوم عدالت در آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲. تعریف عدالت

برای عدالت تعاریف متعددی ذکر شده است. از سال‌های پیش از ارسطو تا دوران معاصر همواره اندیشمندانی به این مفهوم فلسفی پرداخته و گاه آن را در قالب امر مثالی و ماورایی و گاه در شکل موضوعی ملموس و درخور اندازه‌گیری تفسیر کرده‌اند. در سال‌های اخیر نیز کسانی، نظیر جان راولز و مارتا نوسبام، نظریه‌های مطرحی را در فلسفه عدالت صورت‌بندی کرده‌اند. درباره نظریه‌های عدالت دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است، از جمله دسته‌بندی سه‌گانه اندرو هیوود که نظریات عدالت را به سه گروه «برابری، عدالت اجتماعی، و رفاه»، تقسیم کرده است (هیوود، ۱۳۸۸). در این مطالعه، با توجه به سیر تحول تاریخی مبانی نظری مرتبط با عدالت، نظریات عدالت به هفت دسته کلی تقسیم شده است. در ادامه هفت تعریف مختلف در خصوص مفهوم فلسفی عدالت به اختصار مرور می‌شود.

۱.۲. برابری برای گروه‌های برابر

در برخی از نظام‌های کهن فکری مفهوم عدالت برای توجیه نابرابری کاستی به کار گرفته شده است. در چنین تفکری، انسان‌ها در ذات با یک‌دیگر نابرابرند و گروهی بر دیگری برتری دارند. در نتیجه، لازمه تحقق عدالت فقط این است که برای مردم هر طبقه حقوق برابری قائل شد، اما این برابری میان طبقات گوناگون موضوعیتی نمی‌یابد.

مثلاً، افلاطون بر آن است که «عدالت اجتماعی عبارت از سپردن آنچه در محدوده صلاحیت و قابلیت هر کس است به اوست» (پازارگاد، ۱۳۴۸: ۱۰۹). ارسطو نیز بر آن است که عدالت به معنی برابر داشتن اشخاص و اشیاست؛ گرچه هدف عدالت تأمین تساوی ریاضی نیست. به عبارت دیگر، از دیدگاه ارسطو، عدالت فضیلتی است که به موجب آن باید به هر کس آن‌چه حق اوست داد. معیار ارسطو در تعریف عدالت این است که باید با برابری رفتار برابر و با نابرابری رفتار نابرابر داشت. ارسطو بر آن است که افراد برابر باید چیزهای برابر داشته باشند؛ اما جامعه‌ای که در آن همه افراد (زن و مرد، برده، و اشراف) با یک‌دیگر برابر باشند از نظر وی مطلوب نیست (لیدمان، ۱۳۸۶: ۴۶). این تفکر به تعریف طبقات طلا، نقره، و مس در جامعه یونان منجر شده بود.

نظیر چنین تفکری در اندیشه هندیان قدیم نیز مشهود است. بر اساس تئوری‌های دینی - اسطوره‌ای هندوستان، مبتنی بر ریگ‌ودا (*Rig Veda*)، کتاب باستانی هندوان، تفاوت هر یک از طبقات (که به اصطلاح وارنا (*Varnas*) خوانده می‌شوند) در زمان پیدایش آن‌ها

از بخش‌های مختلف انسان اولیه (پوروش - Purush - the primal man) (یا در روایتی از اعضای مختلف بدن بره‌مای (Brahma) خالق) ایجاد شده است. بر این اساس، شهروندان به چهار گروه تقسیم می‌شوند: برهمن‌ها (Brahmans) که از سر خلق شده‌اند، چتری‌ها (Kshatrias) که از دست‌ها خلق شده‌اند، ویشیایا (Vaishias) که از ران پا خلق شده‌اند، و شودراها (Sudras) یا نجس‌ها که از پا خلق شده‌اند (Pruthi, 2004: 1). این‌گونه تفکرات، از آن‌جا که انسان‌ها را واجد نابرابری در آفرینش می‌شمارند، عدالت را به صورت رفتار برابر با طبقات برابر و رفتار نابرابر میان طبقات مختلف تعریف می‌کنند.

۲.۲ مساوات و حذف طبقات

دومین تعریف بر برابری همه انسان‌ها تأکید می‌کند. عدالت در معنای برابری محض اندیشه‌ای است که به طور عمده در دیدگاه‌های مارکسیستی بدان توجه شد. کارل مارکس عدالت را به مفهوم رفع نابرابری‌ها می‌داند. به نظر وی، گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن در شهرها عینیت و گسترش می‌یابد (افروغ، ۱۳۷۷: ۸۹). مارکس بر ابعاد اقتصادی عدالت اجتماعی متمرکز می‌شود و نابرابری‌ها را به شیوه تقسیم کار نسبت می‌دهد. این تعریف البته ممکن است به نفع تفاوت‌ها و زیر سؤال بردن تنوع بینجامد.

۳.۲ تأمین حداقل‌ها برای همه

سومین تعریف از عدالت تعریفی است که افرادی هم‌چون لوکوربوزیه (۱۸۸۷-۱۹۶۵) و آرتور سوریای. ماتا (۱۸۴۴-۱۹۲۰) مطرح کرده‌اند. در این تعریف، عدالت به معنی برآوردن «حداقلی» از «نیاز»های هر انسان تعبیر شده است. بنابراین، گرایش به استاندارد کردن همه نیازها (استانداردیزاسیون بر مبنای ویژگی‌های طبیعی افراد) مطرح می‌شود. منظور از حداقل‌ها در این تعریف نیازهای پایه‌ای است که هر انسان برای زنده ماندن به آن نیاز دارد. نیازهایی هم‌چون امنیت، غذا، و مسکن (در معنی سرپناه و نه در معنای معماری خانه) که تقریباً برای همه انبای بشر (صرف نظر از نژاد و فرهنگ) مشابه است. کیفیت‌های فضایی و بصری شهر در این «حداقل» جایی ندارد، زیرا هدف اصلی برآوردن نیازهای اولیه هرم مازلو برای همگان است. لوکوربوزیه از دستی مرئی سخن به میان می‌آورد که رفع‌کننده نیاز طبقات فرودست است. وی مقیاس انسانی را «درست به اندازه نیاز انسان، نه بیش‌تر و نه کم‌تر» تعریف می‌کند (بحرینی، ۱۳۷۸). سوریای. ماتا نیز به تجلی عدالت در سیمای

شهر می‌اندیشد و سرانجام شهر خطی، طرح «تقسیم عادلانه زمین»، را مطرح می‌کند (استروفسکی، ۱۳۸۵). نکته‌ای که در این میان تأمل‌کردنی است شیوه تحقق این نیازها در نگاه نوگرایان است. نوگرایان تحقق این حداقل‌ها را در گرو حضور یک «دست مرئی» و، به عبارت دیگر، حضور قدرت متمرکز (دولتی) می‌دانند. در نتیجه، در این تلقی برای اعمال عدالت به اقتدارگرایی محض تمسک جسته می‌شود که نتیجه آن نوعی نقض غرض است (ماهرویی، ۱۳۸۴).

۴.۲. برابری در اجرای قانون

به نظر هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹)، عدالت را باید همان رعایت قراردادها و وفای به پیمان‌ها دانست. از نظر هابز، همه تکالیف مادی زاییده قوانین و قراردادهای اجتماعی است^۲ (کلوسکو، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۶). جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) نیز تناسب و تنش میان نیاز و حق را به درستی تشخیص می‌دهد. بنابراین، از حق آزادی هر فرد در حفظ خویشتن یاد می‌کند. آزادی برای حفظ خویشتن همانا آزادی در چهارچوب مرزهای قانون طبیعی است. همه افراد، صرف نظر از جایگاه اجتماعی خود، در برابر قوانین برابرند و باید از قوانین تبعیت کنند. نظم حقوقی مشترک و حقوق جداگانه خود را در قوانینی متبلور می‌سازند که به صورت درست و معتبر در قانون اساسی سندیت یافته است. بنابراین، لاک به حاکمیت قانون برای تحقق عدالت معتقد است:

هدف بزرگی که انسان‌ها را به جامعه رهنمون می‌شود لذت بردن از مالکیتشان در صلح و امنیت است و ابزار و وسائل بزرگی که برای نیل به این هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد همانا قوانینی است که در این جامعه وضع می‌گردد (لیدمان، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

لاک می‌گوید:

تردیدی وجود ندارد که هرکس، به صرف وارد شدن در یک جامعه، پیشاپیش رضایت داده است که عضو آن جامعه و تحت سلطه حکومت آن باشد. به این ترتیب، هرکس که در آن قلمرو زمین یا ملکی دارد، با وارد شدن در جامعه، ضمناً رضایت داده است که بسان دیگران با تمام دارایی خود تحت سلطه آن حکومت زندگی کند (همان).

۵.۲. حداکثر کردن سود

تعریف نظام عادلانه به صورت نظامی که در آن مجموع لذت و فایده و، به عبارت دیگر، حاصل جمع جبری سود در میان همه افراد جامعه به حداکثر خود می‌رسد عمدتاً

در نظریات فایده‌گرایان شکل گرفته است. فایده‌گرایان عدالت را در بیشینه کردن مجموع لذت در جامعه می‌بینند. مثلاً، در چنین اندیشه‌ای اگر بنا باشد منبعی میان دو فرد با وضع اقتصادی متفاوت تقسیم شود، از آنجایی که احتمالاً فرد متمول‌تر از بهره‌هوشی بیش‌تر یا توانایی بالاتر در کسب درآمد برخوردار است، سهم عمده این منبع در توزیع عادلانه فایده‌گرایی به او تعلق می‌گیرد، زیرا اوست که می‌تواند با استفاده از مهارت و قابلیت خود ارزش افزوده بیش‌تری را برای کل جامعه حاصل آورد (فیتزپتریک، ۱۳۸۳).

۶.۲ حمایت از گروه‌های محروم

یکی دیگر از تعاریفی که برای مفهوم عدالت طرح شده است مفهوم عدالت به مثابه توجه به گروه‌های محروم جامعه در بازتوزیع ثروت‌ها و فرصت‌ها به دست نهادهای اجتماعی و مدنی است. صورت‌بندی مطرح در این خصوص نظریه‌ای است که جان راولز (John Rawls, 1921-2002)، اندیشمند لیبرال، که فیلسوف عدالت شناخته می‌شود، آن را با عنوان نظریه عدالت به مثابه انصاف تعریف کرده است. جان راولز دو اصل عدالت را تعریف می‌کند که چنانچه هر توزیعی بر اساس این دو اصل صورت گیرد، مطابق نظریه او، توزیعی عادلانه به شمار می‌آید:

۱. هر شخصی نسبت به طرحی کاملاً کافی از آزادی‌های اساسی برابر، که با طرح مشابهی از آزادی‌ها برای همگان هم‌ساز باشد، حق لغوناشدنی یکسان دارد.

۲. نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی به دو شرط پذیرفتنی است: نخست، این نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشد که با شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن به روی همگان گشوده است؛ دوم، این نابرابری‌ها باید بیش‌ترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه در بر داشته باشد (راولز، ۱۳۸۵: ۸۴).

بر اساس این دو اصل، که اولی «اصل آزادی» و بخش اول از دومی «اصل فرصت برابر» و بخش دوم از اصل دوم «اصل تفاوت» نامیده می‌شود، هر توزیعی باید کاملاً برابر باشد مگر این‌که عدم تساوی در توزیع به نفع ضعیف‌ترین افراد جامعه شود (تلیس، ۱۳۸۵).

۷.۲ برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب

شاید بتوان یکی از قابل‌توافق‌ترین تعاریف عدالت را در آرای آمارتیا سن، جغرافی‌دان

هندی، جست‌وجو کرد. آمارتیا سن اندیشه‌های خود در باب عدالت را در تألیفات متعددی تبیین کرده است. در این مطالعه، به طور اخص، بر سه کتاب او با عناوین *اندیشه عدالت*، *برابری و آزادی*، و *هویت و خشونت*: توهم تقدیر تمرکز می‌شود. وی در مجموعه اندیشه‌های خود عدالت را عمدتاً به معنی برابری قابلیت‌ها تعریف می‌کند. بر اساس دیدگاه وی، مکاتب اقتصادی عموماً در تعریف عدالت به میزان درآمدها توجه کرده‌اند. شاخص‌هایی نظیر خط فقر خانوار نشان‌دهنده اتکای تعاریف پیشین بر درآمد بوده است. اما، با توجه به این‌که انسان‌ها قابلیت یکسانی ندارند، درآمدهای برابر به مطلوبیت برابر منجر نمی‌شود. مثلاً، یک فرد معلول نیازهای زیادی دارد تا به قابلیت مساوی با فرد عادی برسد. در نتیجه، متغیر کانونی پیش‌نهادی وی در تعریف عدالت مبتنی بر افزایش قابلیت‌های افراد است (سن، ۱۳۷۹؛ سن، ۱۳۸۸؛ سن، ۱۳۹۰).

از نظر سن، اگر قابلیت‌ها برابر نباشد، درآمدهای برابرتر ممکن است به فرصت‌های نابرابر و فرصت‌های برابر ممکن است به درآمدهای نابرابر منجر شود؛ یعنی در شرایط نابرابر بودن قابلیت‌ها هر تلاشی برای ایجاد فرصت‌های برابر ممکن است به نابرابری درآمدها منجر شود. افراد با داشتن کالاهای یکسان ممکن است مطلوبیت و رضایت یکسانی نداشته باشند و شخصی، به‌رغم ثروت‌مند بودن، ممکن است احساس بدبختی کند. اما قابلیت چیست؟ در تعریفی ساده و روشن، قابلیت عبارت است از شرایطی که گزینه‌های مختلفی را برای انتخاب پیش روی انسان قرار می‌دهد (محمودی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۷).

پس از ذکر تعاریف فوق، باید به این نکته اشاره کرد که، در گذر زمان، بر پیچیدگی‌های مفهوم فلسفی عدالت افزوده شده است. به‌جز این مفاهیم، نظریات دیگری نیز در باب عدالت مطرح شده که ممکن است از برخی جهات با برخی از این نظریات هم‌پوشانی داشته باشد و در بعضی زمینه‌ها متفاوت باشد. به هر حال، در این جا سعی شده است در حد درخور تشریح در یک مقاله چهارچوبی ارائه شود که دربرگیرنده طیفی از نظریات باشد. مرور این تعاریف نشان می‌دهد که در گذشته عدالت محدود به برابری میان اشراف یا برابری محض بوده است. اما، امروزه به جنبه‌های انسانی‌تر و منصفانه‌تر عدالت بیشتر توجه می‌شود. طرح مفاهیمی نظیر عدالت به مثابه انصاف و توسعه انسانی، که در دو تعریف اخیر ذکر شده است، مؤید این امر است. آنچه در تعاریف متأخران بیش‌تر به چشم می‌خورد تعریف همه‌شمول عدالت با تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی در بازتوزیع ثروت و فرصت است. از این روی، به مفاهیمی نظیر حمایت از گروه‌های محروم یا ایجاد فرصت برابر اشاره می‌شود.

۳. روش تحقیق

همان گونه که اشاره شد، عدالت، با تلقی‌های گوناگونی که از آن می‌شود، از اهداف مورد توجه برنامه‌ریزان شهری است. در سال‌های گذشته، در مطالعات مختلفی نیز به موضوع ارتباط عدالت با برنامه‌ریزی شهری پرداخته شده است؛ از آن جمله، دیوید هاروی (Harvey, 1996; Harvey, 1973)، سوزان فینشتاین (Fainstein, 2010)، ادوارد سوجا (Soja, 2010)، هیدر کمپبل (Campbell, 2006)، پتر مارکیوس (Marcuse, 2009)، اسکات کمپل (Campbell and Fainstein, 2003)، فردریک دوفو و پاسکال فیلیفر (Dufaux and Philifert, 2013)، و فیلیپ ژروه - لامبونی (Gervais-Lambony, 2014) نظریات مطرحی را درباره عدالت صورت‌بندی کرده و به‌ویژه به تحلیل این مفهوم در عرصه شهر پرداخته‌اند.

بسیاری از این اندیشه‌ها به جایگاه برنامه‌ریزی (و به طور اخص برنامه‌ریزی شهری) در تحقق عدالت توجه دارند. در برخی مطالعات، که پیش‌تر انجام شده، به بررسی نظام فضایی عدالت در عرصه جغرافیایی پرداخته شده است (← Cao and Priemus, 2007; Thomas and Hwang, 2003; Dockemdorff et al., 2000). هم‌چنین در خصوص شهرهای ایران ← افروغ، ۱۳۷۷؛ مرصوصی، ۱۳۸۲). با وجود این، در این مطالعات به برنامه‌ریزی شهر کم‌تر توجه شده و در آن‌ها فقط توزیع منابع و فرصت‌ها در وضع موجود بررسی شده است. مثلاً، به آثار مداخلات مدیریت شهری و برنامه‌های توسعه شهری در افزایش یا کاهش عدالت توجهی نشده است. به همین دلیل، این مطالعه بر ارتباط میان مفهوم عدالت و برنامه‌های توسعه شهری متمرکز است.

مطالعه حاضر مطالعه‌ای کیفی است مبتنی بر روش تحلیل محتوا. در این چهارچوب نخست به آرای منتشرشده برنامه‌ریزان شهری در تألیفاتشان (مقالات و کتاب‌ها) اشاره می‌شود. سپس، برای تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت در اسناد برنامه‌های توسعه شهری ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ سه نمونه موردی انتخاب می‌شود که تجارب برنامه‌ریزی را در سه شهر گوناگون در زمان‌های مختلف در بر می‌گیرد: ۱. طرح جامع شهر قزوین، که مهندسان مشاور مندا آن را تهیه کردند، در اواخر دهه ۱۳۴۰ به تصویب رسید؛ ۲. طرح جامع همدان، که مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران آن را در دهه ۱۳۶۰ تهیه کردند؛ ۳. طرح جامع تهران، که در سال ۱۳۸۶ شرکت بوم‌سازگان (به عنوان مشاور مادر تلفیق‌کننده طرح) آن را تهیه کرد. پس از بازخوانی این سه سند، مفهوم عدالت از طریق تحلیل محتوای واژگانی نظیر «عدالت»، «عادلان»، «برابری»، «مساوات»، «تعدادل»، و

سایر واژگان مربوط به عدالت تحلیل خواهد شد. تحلیل محتوای این طرح‌ها مبتنی بر هم‌نشینی و جانمایی واژگان عدالت انجام می‌پذیرد.

از سوی دیگر، برای تحلیل ابعادی از توسعه، که برنامه‌ریزان شهری عدالت را در آن‌ها جست‌وجو می‌کنند، از مدل PESTEL استفاده می‌شود. در این مدل به شش بُعد مختلف از توسعه توجه شده است: بُعد سیاسی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فنی - کالبدی، اقتصادی، و حقوقی. در این تحقیق تلاش می‌شود تا تعریف مورد نظر هر یک از سه برنامه مورد مطالعه با هفت تعریف عدالت و شش بُعد پیش‌گفته مطابقت داده شود و مطابق جدول ۱ موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر مشخص شود.

جدول ۱. چهارچوب پیش‌نهادی برای تحلیل نقش و جایگاه مفهوم عدالت در برنامه‌های توسعه شهری

عدالت	سیاسی	زیست‌محیطی	اجتماعی	فنی - کالبدی	اقتصادی	حقوقی
برابری برای گروه‌های برابر						
مساوات و حذف طبقات						
تأمین حداقل‌ها برای همه						
برابری در اجرای قانون						
حداکثر کردن سود						
حمایت از گروه‌های محروم						
برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب						

مأخذ: نگارندگان

جدول ۱ چهارچوبی برای تحلیل کیفی و مقایسه سه برنامه تهیه شده در پنجاه سال اخیر فراهم می‌کند. هر برنامه توسعه شهری می‌تواند یکی از نظریات عدالت را ملاک عمل خود قرار دهد و یک یا چند بُعد از ابعاد شش‌گانه فوق را نیز محل توجه خود در نظر گیرد.

۴. عدالت در برنامه‌ریزان شهری ایران

شمار اندکی از برنامه‌ریزان شهری کشور به موضوع عدالت فضایی پرداخته‌اند. در حقیقت، به هنگام ترجمه آثار غربی بیش‌تر اشارات موجود ذکر شده است و کم‌تر می‌توان شاهد اظهار نظر مستقل شهرسازان ایرانی در این زمینه بود. با وجود این، در ادامه به نمونه‌هایی از آنچه در آثار طراحان و برنامه‌ریزان شهری ایرانی درباره عدالت ذکر شده اشاره خواهد شد.

احمد سعیدنیا در تعریف عدالت اجتماعی، از نظر شهرسازی، چنین می‌نویسد:

عدالت اجتماعی، از نظر شهرسازی، به معنی تأمین نیازهای گوناگون اجتماعی، خدماتی، رفاهی، و فرهنگی است و مدیریت شهری با ارتقای کیفیت و توزیع فراگیر این خدمات و نیز حل مسائل اجتماعی به موفقیتی بزرگ دست خواهد یافت (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۲۲).

سعیدنیا عدالت را، در کنار کارآمدی، کیفیت محیطی، و سرزندگی، اصول اساسی برنامه‌ریزی شهری در نظر می‌گیرد. او مفهوم شهری عدالت و عدالت شهری را در «توزیع مناسب عمل‌کردها، خدمات، و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیت‌بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنین یک شهر و منطقه» خلاصه می‌کند (همان: ۵۴).

محمود توسلی و سیدحسین بحرینی به جای مفهوم عدالت به مفهوم «تعادل» تمسک جسته‌اند. مثلاً، بحرینی در مطالعه «زبان طراحی شهری» اصل تعادل را یکی از اصول طراحی شهری می‌داند و اشاره می‌کند که تعادل خاصیتی است متعلق به همه نظام‌های پویا و ارگانیک محیط؛ نظام‌هایی که می‌خواهند پایدار بمانند. تعادل به مفهوم قرار گرفتن هر چیزی در جای خود به اندازه لازم و در زمان لازم است و اگر این حدود رعایت نشود، به ناپایداری محیط، ازهم‌گسستگی، و نابودی منجر خواهد شد. از نظر بحرینی، اصل تعادل به معنی تعادل در طبیعت، تعادل بین محیط مصنوع و محیط انسان‌ساخت، تعادل ارگانیک در شهر، پویایی و قابلیت انعطاف، خودنظم‌دهی، کنترل و دخالت کمینه، و رشد و توسعه خودجوش است (بحرینی، ۱۳۷۴). توسلی نیز بیان می‌کند که تعادل در بدنه فضای شهری به معنای برابری، هم‌ترازی یا همبستگی وزن‌های بصری در نماست. برای دستیابی به آرامش در نما، همه نیروهای بصری در یک نما باید یک‌دیگر را خنثی کنند؛ یعنی جمع نیروهایی که در یک جهت قرار می‌گیرند باید با جمع نیروهای جهت دیگر به حالت تعادل درآیند (توسلی، بی‌تا). مشاهده می‌شود که تلقی هر دو اندیشمند از مفهوم تعادل، عمدتاً، مبتنی بر بُعد کالبدی آن است؛ توسلی، به‌ویژه، مفهوم تعادل را در بُعد بصری آن دنبال می‌کند.

علاوه بر این صاحب‌نظران، نقی‌زاده نیز در تعریف صفات شهر اسلامی به عدالت اشاره می‌کند و بیان می‌نماید که عدل، به منزله بارزترین صفت فعل الهی، از ویژگی‌هایی است که باید فعل انسان (خلیفه الله) نیز به آن متصف باشد. با عنایت به تأکید تعالیم اسلامی بر رعایت عدل و الزام توجه به آن در همه ابعاد زندگی، می‌توان تجلی آن در شهر اسلامی را یکی از مناسب‌ترین و بهترین جای‌ها دانست (نقی‌زاده، ۱۳۷۷). به‌رغم تأکید بسیار زیاد نقی‌زاده بر مفهوم عدالت، اشاره وی برای تبیین معیارها یا شیوه تحقق عدالت فضایی چندان روشن به نظر نمی‌رسد.

جدول ۲. عدالت از دیدگاه برخی از برنامه‌ریزان شهری ایران

مفاهیم	عدالت فضایی از نظر برخی از برنامه‌ریزان شهری ایران	مأخذ
مفاهیم پایه‌ای نظریه	تعادل به مثابه یک اصل	(بحرینی، ۱۳۷۴؛ توسلی، بی تا)
تعریف عدالت	عدل، به منزله بارزترین صفت فعل الهی، از ویژگی‌هایی است که باید فعل انسان (خلیفه الله) نیز به آن متصف باشد.	(نقی زاده، ۱۳۷۷)
تعریف عدالت	به معنی تأمین نیازهای گوناگون اجتماعی، خدماتی، رفاهی، و فرهنگی است و مدیریت شهری با ارتقای کیفیت و توزیع فراگیر این خدمات و نیز حل مسائل اجتماعی به موفقیتی بزرگ دست خواهد یافت.	(سعیدنیا، ۱۳۸۲)
معیارهای عدالت	توزیع مناسب عمل‌کردها، خدمات و دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنان یک شهر و منطقه	(سعیدنیا، ۱۳۸۲)

مأخذ: نگارندگان

جدول ۲ خلاصه‌ای است از دیدگاه‌های صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهری معاصر ایرانی درباره مفهوم عدالت. این جدول نشان می‌دهد که اگرچه نظریه عدالت مورد نظر برنامه‌ریزان شهری، در مقام تعریف، به ابعاد مختلفی توجه کرده است، در بیان معیارهای عدالت موضوع به «توزیع مناسب عمل‌کردها، خدمات، و دسترسی» محدود می‌شود که عمدتاً به بُعد کالبدی معطوف است. در ادامه نیز بر اساس نظریه عدالت مورد نظر برنامه‌های توسعه شهری ایران جدولی (جدول ۳) تهیه شده است.

۵. عدالت در برنامه‌های توسعه شهری ایران

برنامه‌های توسعه شهری اسناد هدایتی‌ای هستند که معمولاً وزارت راه و شهرسازی آن‌ها را تهیه می‌کند و جهت‌گیری‌های اصلی توسعه شهرها را در بلندمدت تبیین می‌نماید. از مهم‌ترین نمونه‌های برنامه‌های توسعه شهری در ایران طرح‌های جامع‌اند. مطابق ماده یک قانون «تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی» (مصوب ۱۳۵۳)، طرح جامع شهر عبارت است از: طرح بلندمدتی که در آن شیوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری و کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات شهری و نیازمندی‌های عمومی شهری، خطوط کلی

۱۳۶ تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران ...

ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط (ترمینال) و فرودگاه‌ها و بنادر و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، به‌سازی و اولویت‌های مربوط به آن‌ها تعیین می‌شود و ضوابط و مقررات مربوط به کلیه موارد فوق و همچنین ضوابط مربوط به حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی تهیه و تنظیم می‌شود. طرح جامع شهر، بر حسب ضرورت، تجدید نظر می‌شود (مجلس سنا، ۱۳۵۳).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، برای شناخت مفهوم عدالت در برنامه‌های توسعه شهری ایران، کاربرد عدالت در محتوای سه طرح جامع شهری (قزوین، همدان، و تهران) تحلیل می‌شود تا از طریق بررسی آن‌ها روند تغییرات ادراک متخصصان برنامه‌ریزی شهری در ایران طی چند دهه بازکاوی شود.

۱.۵ مفهوم عدالت در طرح جامع شهر قزوین - مهندسان مشاور مندا

نخستین طرح جامع شهر قزوین در ۱۳۴۳ به مهندسان مشاور مندا ابلاغ شد و در اردیبهشت ۱۳۴۷ مرحله اول آن به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید. این طرح یکی از نخستین برنامه‌های توسعه شهری در ایران به شمار می‌رود. در جلسه مورخ ۱۳۴۸/۱/۱۹ شورای عالی شهرسازی تصمیم گرفته شد بررسی مرحله دوم طرح جامع شهر قزوین، به منزله جزئی از طرح منطقه‌ای، به تکمیل مطالعات طرح جامع دشت قزوین موكول شود. به استناد توافق سازمان برنامه و شورای عالی شهرسازی، در تهیه طرح جامع دشت قزوین، این مؤسسه (مهندسان مشاور مندا) به استخدام متخصصان اقدام کرد و عملاً تهیه طرح آغاز شد. پس از حدود دو سال بلا تکلیفی، سرانجام، در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۱۶ منتفی شدن طرح جامع دشت قزوین ابلاغ شد و در تاریخ ۱۳۴۹/۲/۳۰ تصمیم دبیرخانه شورای عالی شهرسازی راجع به نحوه ادامه طرح جامع شهر به مشاور مندا ابلاغ شد. افق این طرح ۲۵ ساله بود (۱۳۷۰) و فرایند مطالعات مبتنی بر روش شناخت، تحلیل، و طرح بود (مهندسان مشاور مندا، ۱۳۴۹: ۲/۲).

در این طرح از واژگان «عدالت»، «عادلان»، و «برابری» استفاده نشده است. اما، در سه مورد از واژه «تبادل» استفاده شده است. مثلاً، در این طرح کمبودها و نواقص فعلی به پنج دسته تقسیم شده است: اسکلت شبکه ارتباطی داخلی و خارجی شهر، مسکن، تسهیلات شهری، عدم تعادل در تراکم جمعیت در مناطق مختلف شهر، و عدم تعادل در وضع اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف شهر (همان: ۱/ ۴).

در این طرح هم‌چنین در بیان اهداف به مواردی اشاره شده است، نظیر نوسازی شهر، ایجاد تسهیلات، تعادل تراکم جمعیت، بالا بردن سطح زندگی در نقاط عقب‌افتاده، اصلاح خطوط خارجی و داخلی طرح، پیش‌بینی توسعه شهر در آینده، و ارائه راه حل برای آن (همان: ۷).

در این طرح مفهوم عدالت در قالب مفهوم تعادل (عمدتاً تعادل جمعیتی) دنبال می‌شود و مجریان طرح عمدتاً در پی آن‌اند که سرانه‌های جمعیتی را در همه پهنه پیش‌نهادی شهر (که پهنه‌ای بسیار بزرگ‌تر از وضع موجود شهر در زمان طراحی بوده است) توزیع کنند. این طرح بیش‌تر تکنیکی و کالبدی است؛ به همین دلیل، در بیان اهداف آن، در کنار موضوع تعادل، به عباراتی نظیر نوسازی شهر، ایجاد تسهیلات، و اصلاح خطوط طرح اشاره شده است. در این طرح اگرچه، در مقام بیان کمبودها و نواقص، به عدم تعادل در وضع اجتماعی و اقتصادی مناطق گوناگون شهر اشاره شده است، در مقام هدف‌گذاری و پیش‌نهادها، به تأمین حداقل‌ها برای همه محلات تمرکز شده و با تعبیر «بالا بردن زندگی در نقاط عقب‌افتاده» تلاش شده به تأمین نیازهای پایه‌ای در محلات گوناگون شهر پرداخته شود.

۲.۵ مفهوم عدالت در طرح جامع همدان - مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران

مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران طرح جامع ملاک عمل کنونی در شهر همدان را در ۱۳۶۳ تهیه کردند. پیش از تهیه این طرح، تهیه طرح جامع قبلی همدان در اسفندماه ۱۳۴۴ به مهندسان مشاور مرجان محول شده بود و در خرداد ۱۳۴۷ مرحله اول آن و در دی‌ماه ۱۳۵۰ مرحله دوم آن به تصویب شورای عالی شهرسازی رسیده بود (مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران، ۱۳۶۳: ۱۸). در ۱۳۶۲، اداره کل مسکن و شهرسازی استان با قراردادی جدید با عنوان «طرح توسعه و عمران همدان» تهیه مجدد طرح شهرسازی همدان را به مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران واگذار کرد (همان: ۱۸). سرانجام، این طرح در ۱۳۶۳ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید.

بر اساس طرح جامع همدان، با مطالعه سیر تحول تاریخی این شهر و هم‌چنین بررسی نظام‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی حاکم بر فضا، شهر همدان شهری بیمار است. در بخشی از گزارش وضع موجود این مطالعه چنین آمده است:

سازمان فضایی شهر همدان دقیقاً از همان بیماری‌ای رنج می‌برد که کل کشور و شاید هم تمام کشورهای جهان سوم، که اقتصاد آن‌ها متکی به صادرات مواد کانی است، تا تولید ... حاصل این وضع عمومی باعث می‌شود که همواره بخش‌های سنتی فرهنگ، تولید، و

ساختار کلی جامعه به حیات خود، هر چند بطئی، در دوران رونق اقتصادی، ادامه دهند و به موازات بخش‌های پیش‌رفته همواره موجودیت خود را حفظ نمایند. حاصل دوگانگی در سازمان اقتصادی - اجتماعی شهر سازمان فضایی کل شهر را نیز متأثر نموده است. مناطقی از شهر یا بر پایه گذشته خود یا به دلیل مداخلات مقطعی و ناپیوسته دولت واجد خصوصیتی گردیده که از کل شهر متمایز شده است ... بازار قدیمی شهر، با وجود تحمل جراحی‌ای که توسط طرح کارل فریش بر آن شده، هنوز تنها مرکز رفع نیازمندی‌های شهروندان همدانی است و مناطقی که پس از سال ۱۳۴۵ وسعت جدید شهر را ایجاد نموده‌اند از حداقل امکانات خدماتی بهره نمی‌گیرند و جالب این نکته است که فارغ از امکانات مالی اهالی باقدمت محله، فقط محلاتی که توسط دولت بنیان گذاشته شده‌اند از حداکثر امکانات و تأسیسات شهری برخوردار می‌باشند [می‌باشند] و این امر مربوط به سنه و دوره خاص نیز نمی‌باشد (همان: ۱۳۷).

پس از شناخت وضع موجود شهر همدان، طرح جامع به تحلیل محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه آتی شهر می‌پردازد. بدین منظور، ذیل عنوان «آینده سازمان فضایی شهر» به این موارد اشاره می‌شود:

امکانات گسترش و اولویت‌های توسعه: با توجه به مطالعات بخش جغرافیایی و اقلیمی و مسائل مربوط به حاصل خیزی خاک و اهمیت کشاورزی در اقتصاد شهر، امکانات گسترش شهر به سمت جنوب و شرق می‌باشد. ولی این امر نمی‌تواند باعث گردد که محلات شمالی شهر، که مورد ساخت و ساز شهری هر چند غیرقانونی قرار گرفته‌اند، کاملاً متوقف گردند، زیرا، همان طور که در فصول قبل بیان شد، به دلیل وضعیت کشاورزی در اقتصاد کل شهر، در قیاس با ساخت و سازهای شهری، همواره این خطر وجود دارد که بخش‌های دیگری از اراضی حاصل خیز شمال شهر به کار توسعه شهری گرفته شوند. از این رو، پیش‌نهاد می‌شود که سامان‌دهی مناطق و محلات شمالی در حدی که ارزش‌های ملکی را هم‌سطح سایر مناطق شهری ارتقا دهد انجام شود. بدیهی است که این امر باید به موازات تأمین زمین شهری در مناطق مورد نظر و هم‌چنین کاهش دادن عوارض منفی «محدوده قانونی» از طریق حل مسئله شهر توأم با مراکز جمعیتی «حوزه شهری» با هدف اسکان بخشی از جمعیت در مراکز جمعیتی حوزه شهری همدان و عرضه زمین افزودن [افزون] بر نیازهای حداقل دوره طرح انجام یابد (همان: ۱۶۵).

- اهداف برنامه‌ریزی در طرح جامع همدان را می‌توان در موارد زیر بازخوانی کرد:
- ایجاد مراکز تجاری و اداری منطقه‌ای برای اصالت بخشیدن و احیای مجدد مرکز سنتی - تجاری شهر (همان)؛
- فراهم نمودن تسهیلات برای محلات حاشیه‌ای و روستاهای حومه شهر (همان)؛

- تأمین نیازهای ارتباطی مراکز حوزه شهری و رفع مشکلات ناشی از نظام شبکه حمل و نقل شعاعی (همان)؛
- رعایت نظام سلسله مراتب در بین اجزای شبکه حمل و نقل، هم‌ساز با سایر عملکردها (همان: ۱۶۸ و ۱۶۹)؛
- تداوم سیستم موجود در سازمان فضایی شهر با توجه به پس‌خورهای منفی آن سیستم (همان: ۱۷۲).

چنان‌که مشاهده شد، در طرح جامع همدان برای تداوم فرایند توسعه تاریخی شهر در کنار مطالعه نیازهای اجتماعی و اقتصادی آتی، مشابه سایر طرح‌های جامع، نظامی از عملکردهای شهری برای رفع نیازها و کمبودها در سرانه‌های کاربری زمین و حل مسائل ترافیکی ارائه شده است. در این چهارچوب، در طرح جامع همدان موضوع عدالت در تبیین سرانه‌های برابر در محلات گوناگون شهر جست‌وجو می‌شود. نگاه این طرح به تعریف عدالت به مثابه «مساوات و حذف طبقات» نزدیک می‌شود و تلاش می‌کند تا دوگانگی‌های موجود را صرفاً با تغییر شرایط کالبدی و تا حد ممکن از طریق توزیع برابر خدمات شهری برطرف کند.

۳.۵ مفهوم عدالت در طرح جامع تهران - شرکت بوم‌سازگان

در سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰، پس از سال‌ها بلا تکلیفی در مدیریت شهری تهران، لزوم جانشین کردن برنامه و طرح به جای بخش‌نامه، دستورالعمل، و چاره‌جویی‌های موردی، بین مسئولان ذی‌ربط، به‌ویژه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، به تدریج قوت گرفت و سرانجام به اتخاذ تصمیمی انجامید که در عمل زمینه هم‌کاری وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری را برای تهیه طرح‌های توسعه و عمران شهری جدید تهران میسر کرد. سند طرح جامع شهر تهران در ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. این سند (که شرکت بوم‌سازگان^۳ آن را تهیه کرده بود) در سه بخش راه‌بردی، ساختاری، و عملیاتی طراحی شد و به همین دلیل «طرح راه‌بردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)» نامیده شد (نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران، ۱۳۸۶: ۲).

در بخش چشم‌انداز طرح جامع چنین آمده است: «تهران؛ شهری روان با رفاه عمومی و زیرساخت‌های مناسب، همراه با تعدیل نابرابری‌ها و تأمین عادلانه کلیه حقوق شهروندی» (همان). در این عبارت، که سطر ششم از چشم‌اندازهای هفت‌گانه شهر تهران را تشکیل می‌دهد، کلماتی نظیر «رفاه عمومی»، «تعدیل نابرابری‌ها»، و «تأمین عادلانه حقوق

شهروندی» در کنار واژگانی هم چون «شهر روان» و «زیرساخت‌های مناسب» آمده است. به نظر می‌رسد این هم‌نشینی را باید این‌گونه تفسیر کرد که در این عبارت مفهوم عدالت بیش از هر چیز به معنی «دسترسی برابر به خدمات و زیرساخت‌های شهری» بوده است. تلقی‌ای که عمدتاً کالبدی است و از پرداختن به موارد اجتماعی و اقتصادی فاصله دارد. حتی، با وجود کاربرد مفهوم «حقوق شهری» در این چشم‌انداز، بعید به نظر می‌رسد که این حقوق شهری مفهومی در حد و اندازه‌های مفاهیم بنیادین دیگری هم چون «آزادی‌های مدنی»، «مشارکت اجتماعی»، و «کرامت انسانی» ظاهر شود. تعبیر «شهر روان با رفاه عمومی مناسب همراه با تعدیل نابرابری‌ها» بیش از هر چیز می‌تواند عدالت را در اموری نظیر توسعه شبکه حمل و نقل عمومی یا افزایش سرانه فضای سبز در جنوب شهر یا پوشش همه شهر در زمان ارائه فوریت‌های پزشکی و آتش‌نشانی و امثالهم جست‌وجو کند.

در هیچ یک از اهداف ذکر شده در طرح جامع تهران نمی‌توان عبارات و واژگانی که مستقیماً به عدالت اشاره می‌کند یافت. با وجود این، برخی عبارات ذکر شده در میان این اهداف تا حدودی می‌توانند در ارتقای عدالت کارا باشند، از جمله: «استفاده مناسب از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فیزیکی، اجتماعی، انسانی، و مالی - اقتصادی شهر»، «گسترش فضاهای عمومی و کاربری‌های خدماتی»، «رونق فعالیت و توسعه اقتصادی تهران»، «بهره‌وری مناسب از فضاها برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و تأمین اشتغال»، «حفاظت از محیط زیست (به‌ویژه آب، هوا، صدا، و منابع طبیعی)»، «توسعه زیرساخت‌ها و سیستم حمل و نقل همگانی»، «تعیین محدوده‌های اعمال ضوابط و مقررات استفاده از اراضی و محدوده‌های نیازمند مداخله به‌ویژه بافت‌های فرسوده به منظور به‌سازی، نوسازی، و بازسازی»، و «توسعه فضاهای عمومی و گردشگری». همان‌گونه که از این عبارات برمی‌آید، نگاه تهیه‌کنندگان طرح جامع در زمان تدوین اهداف عمدتاً کالبدی بوده و به ابعاد اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی عدالت توجه کافی نشده است. اشاره به رونق اقتصادی نیز در حد «بهره‌وری مناسب از فضاها برای ایجاد فرصت‌های شغلی» در نظر گرفته می‌شود. تا این‌جا می‌توان نتیجه گرفت که نگاه تهیه‌کنندگان طرح جامع تهران به مقوله عدالت عمدتاً معطوف به بُعد کالبدی آن بوده و حتی در زمینه رونق اقتصادی تکیه اصلی برنامه‌ریزان بر سامان‌دهی محیط‌های کسب و کار و تأمین اراضی مورد نیاز برای کاربری‌های تجاری و پهنه‌های کار و فعالیت است. تهیه‌کنندگان طرح جامع در زمان تدوین «اهداف» حتی مفهوم «حقوق شهروندی» را، که در چشم‌انداز به صورت گذرا به آن اشاره شده بود، به فراموشی می‌سپارند.

راهبردهای توسعه شهر تهران، نسبت به اهداف، به مراتب، جامع‌نگر و کامل‌ترند. به‌ویژه آن‌که، همان‌گونه که در بحث رویه تهیه طرح جامع تهران اشاره شد، این راهبردها از طریق طرح شدن در کارگروه‌های مرتبط تا حدود زیادی به بلوغ رسیده‌اند. با وجود این، تردید در پرداختن به ابعاد سیاسی و اجتماعی عدالت در این راهبردها کماکان به چشم می‌خورد. در میان راهبردهای طرح جامع، مواردی که در پی می‌آیند بیش‌تر به مفاهیم مطالعه حاضر نزدیک‌اند:

۲-۴-۲- تثبیت وسعت نهایی کاربری‌های خالص مسکونی در محدوده شهر به مساحت ۱۸۰ کیلومتر مربع و در سرجمع در تمامی پهنه‌های چهارگانه، ضمن اجتناب از گرایش‌های حاکم بر توسعه اسکان جمعیت به زیان تنزل کیفیت زندگی و سامان‌دهی اسکان‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی در بافت‌های شهری و هاله‌های پیرامونی (نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران، ۱۳۸۶: ۴).

۳-۴-۲- توزیع متناسب جمعیت در سطح نواحی شهری از طریق ارتقای وضعیت مسکن شهر تهران به نحوی که میانگین این سرانه در سطح نواحی حداقل ۱۷/۵ مترمربع باشد (همان).

۴-۴-۲- تعدیل نابرابری‌ها و تأمین خدمات و فضاهای عمومی مورد نیاز جمعیت شهری تهران به‌ویژه در مناطق جنوبی و مرکزی شهر و سامان‌دهی وضعیت توزیع فضاهای خدماتی و تجاری با عمل‌کرد محلی، متناسب با نیاز شهروندان (همان).

۵-۴-۲- تأمین امنیت و سلامت در عرصه‌های سکونت با سامان‌دهی شبکه‌های دسترسی مناسب و حرکت پیاده برای تردد آرام در محلات و بین محلات مسکونی و حرکت معلولین (همان).

۶-۴-۲- جلب مشارکت عمومی برای ارتقای کیفیت زندگی و حمایت از شوراها و نهادهای مردمی، با رویکرد محله - محوری، برای اداره امور شهر به صورت محلی و مشارکتی در سطح محلات، نواحی، و مناطق شهری (همان).

۲-۵-۲- جلوگیری از سوداگری و کسب و کار غیرمولد در مسکن و زمین شهری (همان).

۱-۶-۲- توسعه و سامان‌دهی سیستم حمل و نقل همگانی، به‌ویژه استفاده از سیستم‌های حمل و نقل ریلی سریع با اولویت مترو و قطار هوایی (مونوریل) متکی بر مطالعات فنی و اقتصادی^۵ (همان: ۵).

۳-۷-۲- جلوگیری یا کاهش آلودگی هوا و صدا با ارائه راه‌کارهای ممکن، از جمله تحدید حمل و نقل شخصی و تغییر در مشخصات وسایل نقلیه سنگین از نظر تولید صدا، گسترش حمل و نقل عمومی، به‌ویژه توسعه شبکه ریلی و ارتقای تکنولوژی تولید و مصرف سوخت مناسب با حداقل آلودگی (همان: ۶).

۵-۱۱-۲- تعادل بخشی به الگوی استقرار سکونت و فعالیت متناسب با الزامات طبیعی و تاریخی شهر و جلوگیری از گسیختگی و دوگانگی فضایی با پی‌ریزی ساختار منسجم، توسعه‌پذیر، و زیست‌پذیر (همان: ۸).

۶-۱۱-۲- ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی و تأمین عدالت اجتماعی - فضایی و اولویت به تقویت فضاهای عمومی در سامان‌دهی فضایی شهر تهران (همان).

۸-۱۱-۲- توزیع متعادل خدمات و کاهش تقاضای سفر با توزیع مرکزیت، فعالیت‌ها، و خدمات با عمل‌کردهای فرامنطقه‌ای در شهر (همان).

۱-۱۵-۲- توسعه فضاهای سبز با مقیاس عمل‌کرد شهری، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، و محلی برای تأمین حداقل ۱۰ متر مربع سرانه فضای سبز در شهر تهران با توزیع متعادل در سطح شهر (همان: ۱۰).

۳-۱۶-۲- توزیع متعادل خدمات شهری متناسب با مقیاس خدمات در سطح شهر و تأمین حداقل ۵ متر مربع سرانه خدماتی در سطوح محلات و نواحی (همان).

۱-۱۷-۲- حمایت و نظارت بر نوسازی در بافت‌هایی که نیازمند توان‌بخشی و مداخله محدود با اعمال سیاست‌های تشویقی است از طریق ایجاد و به‌کارگیری نهادهای مدیریتی مناسب و مورد نیاز (همان: ۱۱).

۲-۱۷-۲- لزوم مداخله در بافت‌های فرسوده با تأکید بر توان‌مندسازی و سازمان‌دهی تشکلهای محله‌ای برای مشارکت به شیوه‌های امکان‌پذیر، ضمن ایجاد مدیریت‌های واجد شرایط و نهادسازی برای این مداخلات با رویکرد حفظ و تداوم سکونت و هویت محله‌ای (همان).

۳-۱۷-۲- تهیه طرح‌های ویژه توسعه یک‌پارچه برای محلات و بافت‌های فرسوده شهر (مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) با رویکرد اقتصادی مؤثر و رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی، و فرهنگی در شرایط تراز مالی صفر برای شهرداری تهران و با انجام مطالعات امکان‌سنجی مورد نیاز قبل از تهیه طرح مداخله با بهره‌برداری از عرصه‌های ذخیره نوسازی شهری به طور هم‌زمان در قالب طراحی واحد (همان).

مشاهده می‌شود که از مجموع ۱۰۴ راه‌برد مطرح‌شده در سند طرح جامع تهران ۱۶ راه‌برد کمابیش با واژگان مرتبط با عدالت سروکار دارند. در ادامه به تفکیک این راه‌بردها اشاره بیشتری خواهد شد.

صرف نظر از ادبیات مغشوش به‌کارگرفته‌شده در راه‌برد ۲-۴-۲، می‌توان آن را به سبب تأکید بر کیفیت زندگی و توجه به مسئله حاشیه‌نشینی ارزش‌مند دانست. این راه‌برد و همچنین راه‌برد ۳-۴-۲ از محدود راه‌بردهایی است که به مسئله مسکن در شهر تهران

می‌پردازد. راه‌برد ۳-۴-۲ نوعی از استاندارد دیزاسیون را در بر دارد. از این جهت، می‌توان آن را مصداق «نگاه به عدالت به مثابه تعیین حداقل‌ها برای همگان» دانست. راه‌برد ۴-۴-۲، مطابق روالی که در چشم‌انداز و اهداف سند هم مشاهده شد، عدالت به معنای تعدیل نابرابری‌ها در دسترسی همه شهروندان در شمال و جنوب شهر به خدمات شهری را مد نظر دارد. راه‌برد ۵-۴-۲ حقوق گروه‌های خاص (معلولان) را مد نظر قرار داده است. عدالت در این راه‌برد بیش‌تر با معیار «نیاز» تطابق دارد. راه‌برد ۶-۴-۲ نیز هم‌چون راه‌برد ۲-۴-۲ به موضوع کیفیت زندگی اشاره می‌کند. راه‌برد ۲-۵-۲ به مسئله رانت زمین در تهران توجه می‌کند و، بی‌آن‌که راه حلی ارائه دهد، آن را گوش‌زد می‌کند. به هر حال، این مسئله از چالش‌هایی است که در سالیان گذشته همواره عدالت را در شهر تهران تهدید کرده است. دو راه‌برد ۱-۶-۲ و ۳-۷-۲ هر دو به توسعه حمل و نقل همگانی و تأمین دسترسی همگان توجه می‌کنند. راه‌بردهای ۵-۱۱-۲، ۸-۱۱-۲، ۱-۱۵-۲، و ۳-۱۶-۲ همگی به توزیع هم‌سان سرانه‌های کاربری اراضی و رفع دوگانگی‌های فضایی توجه می‌کنند. این راه‌بردها، در پی ایجاد دسترسی برابر به فضاهای خدماتی، مسکونی، و سبز و باز هستند. در این میان، راه‌برد ۶-۱۱-۲ بیش از بقیه راه‌بردها جالب توجه است. این استراتژی با تصریح «ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی» و تأکید بر «تأمین عدالت اجتماعی - فضایی و اولویت به تقویت فضاهای عمومی در سامان‌دهی فضایی شهر تهران» بیش از هر چیز می‌تواند به نشانه‌شناسی عدالت در مبانی راه‌بردی سند طرح جامع تهران کمک کند. بر این اساس، طرح جامع، با اصالت قائل شدن بر تقدم منافع عمومی بر خصوصی، از یک سو، از تعریف فردگرایانه عدالت فاصله می‌گیرد و از سوی دیگر، بر اهمیت فضاهای عمومی در این میان تأکید می‌کند. هم‌نشینی واژگان «عدالت» و «فضا» در این راه‌برد بسیار جالب توجه است. در نهایت، سه راه‌برد ۱-۱۷-۲، ۲-۱۷-۲، و ۳-۱۷-۲ به موضوع عدالت فضایی به مثابه توان‌مندسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده نظر می‌کنند. از میان این سه راه‌برد، بیش از همه، عبارت «شرایط تراز مالی صفر برای شهرداری تهران» حائز اهمیت است. این عبارت بدین معناست که قرار نیست شهرداری تهران از درآمدهای خود در بافت‌های غیرفرسوده برای نوسازی بافت‌های فرسوده هزینه کند. به عبارت دیگر، طرح جامع مشکلات محرومان را به خود آن‌ها می‌سپارد و ثروت‌مندان را به یاری نمی‌خواند. به جای آن‌که تراز مالی برای کل شهر تهران تعریف شود، این تراز مالی برای محدوده‌های بافت‌های فرسوده تعریف می‌شود. این نگاه به‌روشنی نگاهی لیبرالیستی و مبتنی بر بازار آزاد است که البته با مبانی نظری راه‌برد

۶-۱۱-۲ در تضاد جدی است. به نظر نمی‌رسد طرح جامع بتواند، از یک سو، منافع عمومی را بر منافع خصوصی ارجحیت دهد و، از سوی دیگر، مشکلات بافت‌های فرسوده را به خود این بافت‌ها بسپرد.^۶ ظاهراً طرح جامع تهران برای این التقاط و تناقض ایدئولوژیک راه حلی ارائه نمی‌کند.

بنابراین، طرح جامع تهران در هر سه بخش چشم‌انداز، اهداف، و راه‌بردها، ولو به صورت غیرمستقیم، به مفاهیم مرتبط با عدالت توجه می‌کند. تعبیر سند طرح جامع از عدالت بیش‌تر معطوف عدالت کالبدی است. بدین معنا، در بیش‌تر موارد، عدالت در سند طرح جامع عبارت است از: «توزیع هم‌سان سرانه‌های کاربری‌های خدماتی و فضای سبز، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، و تعیین حداقل استانداردهای مسکونی برای همگان». طرح جامع، از نظر ایدئولوژیک، گاه بر رجحان منافع عمومی بر منافع خصوصی تأکید می‌کند و گاه به دیدگاه‌های مدافع بازار آزاد گرایش دارد؛ مثلاً، نوسازی بافت‌های فرسوده را بدون پرداخت از محل مالیات و عوارض آرزو می‌کند. طرح جامع تهران در مواردی از واژگانی نظیر «کیفیت زندگی» و «حقوق شهروندی» در کنار مفهوم عدالت یاد کرده است. با وجود این، تعبیر اصلی طرح از این واژگان نیز بیش‌تر معطوف به دسترسی‌های عمومی به زیرساخت‌های شهری است.

۶. نتیجه‌گیری

در این تحقیق به مفهوم عدالت و آرای مرتبط با آن پرداخته و تلقی‌های گوناگون به هفت دسته کلی تقسیم شد. این هفت دسته عبارت‌اند از: «عدالت به مثابه برابری برای گروه‌های برابر»، «عدالت به مثابه مساوات و حذف طبقات»، «عدالت به مثابه تأمین کمینه‌ها برای همه»، «عدالت به مثابه برابری در اجرای قانون»، «عدالت به مثابه حداکثر کردن سود»، «عدالت به مثابه حمایت از گروه‌های محروم»، و «عدالت به مثابه برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب».

چهارچوب این تحلیل محتوا مبتنی بر هفت تعریف پیش‌گفته، از یک سو، و مدل PESTEL، از سوی دیگر، بود که مسائل شهری را در شش بُعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنیکی - کالبدی، زیست‌محیطی، و قانونی دسته‌بندی می‌کند. بنابراین، این تحلیل محتوا نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه شهری در ایران، در زمان کاربرد مفهوم عدالت، بیش‌تر به کدام یک از تعاریف آن و نیز کدام یک از ابعاد آن توجه دارند.

در این مطالعه نخست به آرای منتشرشده برخی از شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری ایرانی در قالب مقالات و کتاب‌ها پرداخته شد. سپس، سه برنامه توسعه شهری مربوط به دهه‌های مختلف به منزله مورد مطالعاتی انتخاب و مطالعه شد. تحلیل محتوای این اسناد بر اساس چهارچوب پیش‌گفته، مطابق جدول ۳، نشان می‌دهد که کاربرد عدالت در برنامه‌های توسعه شهری مورد مطالعه عمدتاً به چه معناست.

جدول ۳. تحلیل محتوای مفهوم و جایگاه عدالت در سه برنامه توسعه شهری در ایران

عدالت	سیاسی	زیست‌محیطی	اجتماعی	تکنیکی - کالبدی	اقتصادی	حقوقی
برابری برای گروه‌های برابر	-	-	-	-	-	-
مساوات و حذف طبقات	-	-	-	-	برنامه همدان	-
تأمین حداقل‌ها برای همه	-	-	-	برنامه قزوین برنامه تهران	-	-
برابری در اجرای قانون	-	-	-	-	-	-
حداکثر کردن سود	-	-	-	-	-	-
حمایت از گروه‌های محروم	-	-	-	-	-	-
برابری فرصت‌ها و آزادی انتخاب	-	-	-	-	-	-

مأخذ: نگارندگان

بررسی سه طرح جامع نشان می‌دهد که به موضوع عدالت عمدتاً در دو تعریف توجه شده است: ۱. «عدالت به مثابه مساوات یک‌سان»، ۲. «عدالت به مثابه تأمین حداقل‌ها» و بیش‌تر در دو بُعد اقتصادی و تکنیکی - کالبدی. برنامه‌ریزان ایرانی در جهت ارتقای سطح عدالت عمدتاً به دو مفهوم کلیدی «تأمین دسترسی به کاربری‌های حیاتی» و «کاهش نابرابری‌های فضایی» توجه کرده‌اند.

این تلقی از عدالت نشان می‌دهد که رویکرد غالب برنامه‌ریزان شهری در ایران از آغاز رسمی برنامه‌ریزی شهری تا کنون عمدتاً متأثر از تعاریف مدرنیستی پنج دهه اول قرن بیستم بوده است. نکته جالب این است که در طول پنجاه سال از نخستین برنامه‌های توسعه شهری تا کنون نمی‌توان شاهد تفاوت جدی در رویکرد این اسناد به موضوع عدالت بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مطالعه برگرفته از رساله دکتری محمد صالح شکوهی بیدهندی با موضوع «ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری» در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران است که با راهنمایی محمدمهدی عزیزی و پاسکال فیلیفر تدوین شده است.
۲. اشتراوس، ۱۳۷۳. مفهوم قرارداد اجتماعی از مفاهیم فلسفی است که افرادی هم‌چون هابز، لاک، روسو، و مونتسکیو بدان توجه کرده‌اند. این مفهوم مبنای فلسفی بسیاری از نظریات اجتماعی بوده است. با توجه به ابعاد پیچیده موضوع، در این‌جا برای پرهیز از اطاله کلام از مذاقه در این موضوع اجتناب می‌شود و صرفاً به دو منبع مرتبط در این زمینه اشاره می‌شود: روسو، ۱۳۴۱؛ موحد، ۱۳۸۱.
۳. تهیه طرح جامع تهران با همکاری ۳۰ مشاور آغاز شد. سرانجام، شرکت بوم‌سازگان، به عنوان مشاور مادر، مسئول تلفیق این مطالعات و تدوین سند طرح جامع تهران شد. با این حال، به سبب تغییرات بسیار زیادی که در روند تلفیق مطالعات نسبت به مطالعات اولیه اتفاق افتاد و به ویژه به سبب نقش شرکت بوم‌سازگان در نگارش چشم‌انداز، اهداف، و راه‌بردها، می‌توان این طرح را در درجه اول محصول این شرکت دانست.
۴. منظور از پهنه‌های چهارگانه عبارت است از: پهنه‌های مسکونی، تجاری، مختلط، و فضای سبز.
۵. به نظر می‌رسد ذکر عبارت «متکی بر مطالعات فنی و اقتصادی» بیش تر بدان سبب است که، به‌رغم تأکید زیاد رئیس‌جمهور وقت بر احداث منوریل تهران، کارشناسان این منوریل را غیراقتصادی و غیرفنی دانسته‌اند. این عبارت دوپهلوی، در واقع، در ضمن تلاش برای کسب نظر مساعد مقامات بالادست، اجرایی شدن این تصمیم را به آینده موکول می‌کند.
۶. بافت‌های فرسوده شهر تهران، که عمدتاً در مرکز و جنوب شهر تهران واقع شده‌اند، خدمات بسیاری به بخش‌های دیگر شهر ارائه می‌کنند. روزانه شمار بسیاری از شهروندان از شمال شهر و بخش‌های مرفه‌نشین به بازار تهران می‌آیند و از خدمات آن بهره می‌برند. جریان ثروت شهری ظاهراً کماکان از جنوب شهر به سمت شمال شهر جریان دارد. بر این مبناء، نمی‌توان نقش و تکلیف ساکنان خارج از بافت فرسوده را در نوسازی بافت‌های فرسوده نادیده گرفت. طرح جامع اگر برای منافع عمومی اصالت قائل است، باید به این نکته نیز توجه کند که تأمین این منافع در گرو کاهش بی‌عدالتی‌هاست. نوسازی بافت‌های فرسوده یکی از نمونه‌های روشن منافع عمومی در شرایط کنونی شهر تهران است. طرح جامع مشخص نکرده است که با چه استدلالی تراز مالی صفر را برای نوسازی شهر تهران (که از پیچیده‌ترین و هزینه‌برترین مسائل تهران است) در نظر گرفته است. فلسفه اخذ مالیات و عوارض اصولاً حمایت از محرومان در جهت افزایش مطلوبیت نهایی است. شهرداری، که به منزله بخش عمومی درآمد خود را عمدتاً از طریق مالیات و عوارض تأمین می‌کند، چگونه می‌تواند بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای توقع نوسازی بافت فرسوده را داشته باشد؟

منابع

- استروفسکی، واتسلاف (۱۳۸۵). *شهرسازی معاصر؛ از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آن*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اشتراوس، لئو (۱۳۷۳). *حقوق طبیعی و تاریخ*، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگاه.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷). *فضا و جامعه: فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۴). «زبان طراحی شهری خودی»، *اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، مجموعه مقالات، ج ۲، سازمان میراث فرهنگی.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۸). *تجدد، فراجدد، و پس از آن در شهرسازی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۸). *تاریخ فلسفه سیاسی: با سیر تاریخی افکار و عقاید سیاسی از آغاز تاریخ تا زمان معاصر*، ج ۱، تهران: زوار.
- تلیس، رابرت بی. (۱۳۸۵). *فلسفه راولز*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- توسلی، محمود (بی‌تا). *قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- راولز، جان (۱۳۸۵). *عدالت به مثابه انصاف؛ یک بازگویی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۱). *قرارداد اجتماعی*، ترجمه غلام‌حسین زیرک‌زاده، انتشارات شرکت سهامی چهر.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲). *شهرسازی*، ج ۱، از مجموعه کتاب سبز شهرداری، تهران: شهرسازی، وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۹). *برابری و آزادی*، مجموعه فلسفه و اقتصاد سیاسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سن، آرماتیا (۱۳۸۸). *هویت و خشونت: توهم تقدیر*، ترجمه فریدون مجلسی، تهران: آشیان.
- سن، آرماتیا (۱۳۹۰). *اندیشه عدالت*، ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات کندوکاو و کتاب روشن.
- شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۳). «ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری»، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۳). *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو؛ مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کلوسکو، جورج (۱۳۹۱). «تاریخ فلسفه سیاسی»، *در: از ماکیاوولی تا منتسکیو*، ج ۳، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی.
- لیدمان، اریک (۱۳۸۶). *تاریخ عقاید سیاسی: از افلاطون تا هابرماس*، ترجمه سعید مقدم، تهران: اختران.
- ماهرویی، هوشنگ (۱۳۸۵). *مدرنیته و بحران ما (پایان متافیزیک یا شورش علیه عقل)*، تهران: اختران.
- مجلس سنا (۱۳۵۳). *قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی (مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶ و مجلس شورای ملی)*، پایگاه اینترنتی معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، دسترسی ۱۳۹۲/۴/۱۹.

۱۴۸ تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران ...

- محمودی، مرضیه (۱۳۸۸). «میزگرد بررسی نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران»، ماهنامه منظر، ش ۱.
- مرصوسی، نفیسه (۱۳۸۲). «تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهندسان مشاور مندا (۱۳۴۹). طرح جامع قزوین، وزارت مسکن و شهرسازی.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه.
- مهندسان مشاور موژدا و هم‌کاران (۱۳۶۳). طرح توسعه و عمران همدان، اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان، تهران: همدان.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۷). «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، هنرهای زیبا، ش ۴ و ۵.
- نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران (۱۳۸۶). طرح راهبردی ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۸). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نشر قومس.

- Campbell, Heather (2006). 'Just Planning: the art of situated ethical judgment', *Journal of Planning education and research*, No.26.
- Campbell, Scott and Susan S. Fainstein (2003). *Readings in planning Theory*, Wiley-Blackwel.
- Cao, Liou and Hugo Priemus (2007). 'Spatial Disparities and Housing Market Deregulation in the Randstad Region: A Comparison with the San Francisco Bay Area', *European Urban and Regional Studies*, Vol.14.
- Dockemdorff, Eduardo et al. (2000). 'Santiago de Chile: metropolization, globalization and inequity', *Environment and Urbanization*, Vol. 12.
- Dufaux, Frédéric and Pascale Philifert (2013). *Justice spatiale et politiques territoriales*, Nanterre: Presses universitaires de Paris Ouest.
- Fainstein, Susan S. (2005). 'Planning Theory and the City', *Journal of planning education and research*, Vol. 25.
- Fainstein, Susan S. (2010). *The Just City*, New York: Cornell University Press.
- Gervais-Lambony, Philippe, C. Benit-Gbaffou, J. L. Piermay, A. Musset and S. Planel (2014). *Justice spatiale et la ville*, Karthala.
- Harvey, David (1973). *Social Justice and the City*, University of Georgia Press.
- Harvey, David (1996). 'On Planning the Ideology of Planning', *Reading in planning theory*, Edited by Scott Campbell and Susan Fainstein, Blackwell Publishers.
- Hecht, J. Jean (1968), 'Social History', *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Vol. 5, New York: The Macmillan Company and the free press.
- Hyman, Herbert H. and Kaitz, Edward M. (1971). *Urban Planning For Social Welfare: A Model Cities Approach*, Praeger Special Studies in U.S. Economic and Social Development, Praeger Publishers.
- Marcuse, Peter (2009). *Searching for the just city: debates in urban theory and practice*, Routledge.

- Pruthi, P.K. (2004). *Indian caste system, Culture and civilization series*, New Delhi: Discovery Publishing House.
- Soja, Edward W. (2010). *Seeking Spatial Justice (Globalization and Community)*, University of Minnesota Press.
- Thernstrom, Stephan and Sennett, Richard (eds.) (1970). *Nineteenth-century Cities: Essays in the New Urban History*.
- Thomas, June Manning and Hee-Yun Hwang (2003). 'Social Equity in Redevelopment and Housing: United States and Korea', *Journal of Planning Education and Research*, Vol. 23.

